

## ۲۸ اسد روز استرداد استقلال افغانستان است

### وهیچ روز دیگری بجز ۲۸ اسد

### روز استقلال ما نیست!

روز ۲۸ اسد/مطابق ۱۸ اگست(در برخی سالها برابر ۱۹ اگست) ، روز اعلام استرداد استقلال کشور ماست. و گرامی داشت از این روز، یک وجبیه و یک فریضة ملی بشمار میرود. اعلام استرداد استقلال کشور، در ۹۶ سال قبل از امروز، نه تنها برای ما افغانها بسیار با ارزش است، بلکه برای برخی از کشورهای آسیائی و آفریقائی نیز الهام بخش بود و جنبش های آزادی طلبی را در مستعمرات انگلیس بخصوص در هند و مصر مهمیز زد. از آن جهت این روز، برای افغانهای آزادیخواه ، وطنپرست و حریت پسند ، یک روز میمون و بس عزیز است.

در چند سال اخیر برخی از عناصر متعصب و تفرقه انداز که چشم دیدن استقلال افغانستان را ندارند، با نوع عالم نمائی و خود بزرگ بینی از طریق رسانه های جمعی نوشتاری و تصویری تبلیغ میکنند و میگویند: **مردمی که تا هنوز روز استقلال خود را نمیدانند، چگونه دم از استقلال میزنند؟** و با رویکرد از تاریخ غبار و میر محمد صدیق فرهنگ یک تعداد سنوات و روز هایی را برون نویس و با تفسیرهای غلط به نشر می سپارند که جز گمراهی اذهان عامه و بخصوص جوانان دور از میهن نتیجه ای ندارد و در واقع قصد و هدف این یاوه گوینان تاریخ نیز همین است تا باور جوانان را نسبت به تاریخ این کشور و جان بازیهای پدران شان در راه آزادی و استقلال خدشه دار نمایند. یکی از این رجاله های کینه جو و سخت دشمن استقلال افغانستان، کسی بنام داکتر لعل زاد مقیم لندن است، که امروز ۲۷ اگست یکی از این یاوه سرانی های خود را از طریق روزنامه ماندگار در کابل بدست نشر سپرده و در سایت آریائی نیز بازتاب یافته است. انعکاس این نوشته داکتر لعل زاد در سایت آریائی ، یک بار دیگر میتواند باب بحث های داغ و برخورد های قومی و زبانی را دامن بزند و به اعتبار این سایت خدشه وارد کند و تعداد بی شماری از خوانندگانش را نا راحت کند. لینک های ذیل کلیک شوند:

<http://www.ariaye.com/akhbar.html>

<http://da.azadiradio.org/content/transcript/۲۱۳۰۹۴۱.htm>

داکتر لعل زاد که گفته میشود داکتری خود را در رشته زغال سنگ از اتحادشوری سابق گرفته است، اینک در لندن از بیکاری تاریخدان شده است و از چندی به اینسو به مناسبت روز استقلال افغانستان ، یاوه می گوید و با گفتن صرف نام های کتب مرحوم غبار و مرحوم فرهنگ، میخواهد رفع مسئولیت کند و بار گناهان خود را بردوش آنها بگذارد و بدون درک درست از نوشته های آنها ، محض برای خورد ساختن و سبک جلوه دادن ملت افغانستان در نزد سایر ملل جهان، میگوید مردم افغانستان ، مردمی اند که با گذشت ۹۶ سال از استقلال شان، هنوز روز و تاریخ استقلال خود را نمیدانند.

اومدعی است که، دولتهای افغانستان در زمان امان الله خان و نادرشاه و ظاهرشاه چندین روز را تجلیل میکرده اند، از قبیل: روز ۲۴ فبروری، ۲۸ فبروری، ۱۳ اپریل، ۶ جوزا (روز فتح تل)، ۸ اگست (۱۸ اسد) و ۲۱ نومبر ۱۹۲۱ (روز امضای معاهده برسمیت شناختن افغانستان از سوی بریتانای) و بنابراین مردم نمیدانند که کدام یک از این روزها، روز استقلال افغانستان است؟

باید خاطرنشان کرد که تاریخ یک کشور، در یک سال و دو سال و ده سال، آنهم از جانب یک نفر نمیتواند بطور کامل نوشته شود، زیرا در اثر کشفیات باستان شناسی و مدارک و اسناد آرشیفی که بعد تر بدست می آیند میتواند فرضیه های یک دوره تاریخی را تردید و غلط ثابت کند، بنابراین این وظیفه هرنسلی است تا تاریخ میهن خود را در پرتو بازیافته های تاریخی و باستان شناسی تکمیل کند. ممکن است مرحوم غبار و نیز فرهنگ متوجه اهمیت این سند و این نطق تاریخی شاه امان الله نشده باشند. ورنه تفصیل این رویداد و علت اینکه معاهده راولپندی در ۸ اگست (۱۸ اسد ۱۲۹۸) با جانب انگلیس به امضاء رسیده بود، چرا ده روز بعد یعنی در ۱۸ اگست مطابق ۲۸ اسد آنرا جشن گرفتند، از جانب مرحوم محی الدین انیس در سال ۱۳۰۶ ش، بمناسبت جشن استقلال در اخبار انیس توضیح داده شده است. در زمانی که در اکادمی علوم مصروف خدمت بودم، این سوال از سوی منسوبین اردو به دانشمندان رشته تاریخ اکادمی علوم راجع شده بود و به یاد می آید که پوهاند میرحسین شاه، و پوهاند صدیقی استادان تاریخ در پوهنتون کابل به استناد سرمقاله انیس، بقلم محی الدین انیس این سوال را جواب دادند و به مرجع سوال کننده رسماً خبر داده شد.



شاه امان الله در لباس سربازی هنگام اعلام پادشاهی در ۲۴ فبروی در میدان مرادخانی کابل

البته در پیوند با اعلام استقلال کشور، دو سه روز دیگر نیز از روزهای پرهیجان وارجناک برای مردم افغانستان بشمار میرود، اما هیچ یکی آنها به اهمیت وارجناکی ۲۸ اسد، روز استقلال کشور نمیرسند. از آنجمله یکی روز ۲۴ فبروی است.

غبار مینویسد که : در این روز شاه در اجتماع بزرگ شهریان کابل حاضر گردید و نطق تاریخی خود را بیان کرد. اهالی کابل و افراد سپاه در میدان مراد خانی در برون ارگ تجمع کرده بودند و بی صبرانه انتظار ورود شاه جوان را میکشیدند. امان الله خان در حالیکه یونیفورم رسمی عسکری به تن، موزه های ، بلند به پا و شمشیر برهنه در کمر داشت سوار بر اسب از ارگ شاهی برآمده تنها و بدون محافظ، دلیرانه و خودماتی به داخل جمعیت بزرگ مردم درآمد. او در همین روز و در برابر جمعیت عظیمی از مردم، بیانیه تاریخی و مهمش را ایراد نمود و استقلال داخلی و خارجی افغانستان را اعلام و تأمین برادری، برابری، عدالت و خدمتگزاری صادقانه برای ملت افغانستان را وعده داد. (غبار، ص ۷۴۳)

### ۲۸ فبروی = ۹ حوت ۱۲۹۷ (روز تاجگذاری شاه امان الله)

روز پر ارج دیگری است که شاه امان الله خان، در آن روز در مسجد عیدگاه کابل تاج پوشی نمود. امان الله خان پیش از آنکه حضرت شوربازار، تاج سلطنت را بر سر او بگذارد، اظهار کرد:

**این تاج را بشرطی بصرمی گذارم که استقلال کامل کشور را حاصل کنم!**

از این روز در افغانستان به عنوان روز تاج پوشی و اعلام استقلال افغانستان بارها تجلیل بعمل آمده است. و برخی این روز را با روز استقلال کشور به اشتباه گرفته اند.

**روز ۱۳ اپریل** نیز از روزهای پراهمیت تاریخی برای افغانها است. شاه امان الله در این روز، مجلسی در دربار کابل، شامل دیپلماتان خارجی و بزرگان و مشران ملکی و نظامی کشور برگزار، و در آن روز استقلال افغانستان را با این جملات اعلام کرد:

**" من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان نمودم . بعد از این کشورما،**

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تلسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مانند سایر دول و قدرتهای جهان، آزاد است و به هیچ نیروی، به اندازه یک سر موی اجازه داده نمی شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نماید و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد.» و سپس رو بجاتب سفیر انگلیس (نجف علی) نموده پرسید: « آنچه گفتیم فهمیدی ! » سفیر انگلیس با احترام و تعظیم جواب داد: « بلی فهمیدم.» [دبلیو، اد مک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان، ترجمه زهما، ص ۶۵]

اما از روزهای دیگری که داکتر لعزاد به عنوان روز جشن استقلال قطار کرده، کدام تجلیلی به سطح ملی بعمل نیامده، ولی از روز ۶ جوزا بنام روز فتح تل بدست جنرال نادرخان، چندباری تجلیل شده، اما هیچگاه جانشین روز ۲۸ اسد نشده است.

به جواب این یاوه گویان موظف شده باید گفت که: روز ۲۸ اسد مطابق ۱۸ اگست ۱۹۱۹ که شاه امان الله سند قرارداد صلح را ولپندی را در کابل امضاء نمود، و در مسجد عیدگاه کابل نطق پرشوری ایراد کرد و آن روز را، روز استقلال کامل افغانستان نامید و به مردم کشور آنرا تبریک گفت، روز استقلال افغانستان است. شاه در این روز از مردم افغانستان تمنا نمود تا فرزندان خویش را برای فراگرفتن علم به مکتب بفرستند و استقلال کشور را چون مردمک چشم عزیز و گرامی بدارند. این نطق تاریخی شاه امان الله غازی در تمام جراید و روزنامه های همان زمان کابل به نشر رسیده و در آرشیف اسناد محرم هند برتانوی نیز ثبت شده است.

محقق دانشمند کشور جناب داکتر عبدالرحمن زمانی، متن بیانیة امیر امان الله خان را که در روز چهارشنبه ۲۸ اسد ۱۲۹۸ در مسجد عیدگاه کابل ایراد نموده، از آرشیف اسناد محرمانه هند برتانوی بدست آورده ترجمه و در پورتال افغان جرمن آنلاین نشر کرده است. این بیانیه یکی از مهمترین اسناد استرداد استقلال افغانستان است و جا دارد آنرا در اینجا بار دیگر نقل و بازتاب دهیم:

## بیانیة پادشاه افغانستان در مسجد جامع در ارتباط با اعلام استقلال پادشاهی افغانستان (روز چهارشنبه، ۲۸ اسد ۱۲۹۸ شمسی)

### ای ملت مصمم من!

شما شاید بخاطر داشته باشید که من در آغاز سلطنت خود تاج پادشاهی شما را بدلیل استقلال و آزادی خارجی و داخلی افغانستان بسر گذاشتم. حالا میخواهم بشما توضیح دهم که آزادی خارجی و داخلی، و تحت اسارت بودن چه معنی دارد. یک کشور وقتی از نظر خارجی و داخلی آزاد گفته میشود که یکی از قدرت های بزرگ جهان دانسته شده، بتواند، با هر حکومت دیگری در زمینه های تجاری و امور سیاسی توافقنامه و معاهده منعقد نماید، و بتواند با برادران هم مذهب و هم نژاد خود وحدت نموده و به آنها کمک کند، و تحت نفوذ هیچ حکومت دیگری در جهان نباشد. لذا این استقلال کشور در همه امور و توانمندی اجرای هر چیزیست که برایش مفید باشد.

تحت اسارت بودن آنست که یک کشور یکی از قدرتهای جهان دانسته نشده، نتواند با هر حکومت دیگری در زمینه های تجاری و امور سیاسی توافقنامه و معاهده منعقد نماید، و نتواند به برادران هم مذهب و هم نژاد خود کمک کند. نتواند با هیچ کشور دیگر جهان، به غیر از کشوری که تحت حمایتش قرار دارد، سروکاری داشته باشد. هر چند چنین کشوری ممکن است از بیرون به آنها دوست باشد، اما در واقعیت در تلاش ریشه کن کردن آن میباشد.

من شکر خداوند را بجا می آورم که امروز به هدف خود رسیدم، و امروز حکومت های ترکیه، آلمان، برتانیه، روسیه، اتریش و بخارا استقلال کامل ما را به رسمیت شناخته اند، و من این همه موفقیت را به شما تبریک میگویم.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

(تحسین و شادی حاضرین : زنده باد شاه!)

و امروز نمایندگان دو حکومت، که عبارت از حکومت های برجسته انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی باشند، درینجا حضور دارند.

### ای ملت!

هیچ کسی این استقلال و آزادی را به شما اعطا نکرده است. این تنها از لطف خداوند، از برکت پیامبر بزرگ(ص) و شجاعت و مردانگی خود شماست. غیرت و احساس افتخار به شما جرئت داد تا بخاطر استقلال خود شمشیر بدست بگیرید. لذا شما به زور شمشیر هدف خود را حاصل نمودید. خدا ناخواسته افغانستان هیچ وقتی نخواست و نخواهد خواست تحت حمایت کسی بوده و از آن فرمان ببرد.!

« هر که آب از دم شمشیر خورد نوشش باد »

درعین حال، به نمایندگی از ملت از تمام قدرت های بزرگی که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته اند تشکر میکنم. بعد ازین ما با کشورهای روابط دوستانه خواهیم داشت که در امور تجارتي و سیاسي با ما کمک کنند. درواقع کشورهای همسایه باید به دوستی ما فخر کنند، چون افغانستان یک کشور شجاع و نیرومند است. در وقت تصمیم تأمین استقلال من آنقدر راسخ بودم که در صورت ناکامی ازین بیشتر خواهان زنده ماندن نمی بودم. در قدم اول من زندگی ام را در مقابل دشمن برای حصول استقلال شما فدا میکردم. اگر ناکام می شدم، باز هم از تصمیم خود نگشته، خودم را می کشتم، اما زندگی تحت حمایت کشور دیگری را قبول نمی کردم. اگر شما مردم از من پشتیبانی نمی کردید، و با شجاعت کار خود را به پیش نمی بردید، من به مقصد کامیاب نمی شدم و بیش ازین زندگی را بر خود حرام می دانستم. لذا شما به من زندگی نوی را داده اید و من به شما برادران اطمینان می دهم که من باز هم به خاطر شما زندگی خود را فدا خواهم کرد.

تا امروز دروازه های تعلیم بر روی شما بسته بود، زیرا هیچ مرد دانانی زندگی تحت حمایت دیگران را نمی پسندد. اگرچه عمر من کمتر از شماست، اما به شما یک مشوره پدرا نه می دهم که برای خدا باید برای آموزش علم تلاش کنید. شما باید اطفال خود را به مکتب بفرستید، شما باید از آنها جدا شده، آنان را برای آموزش تعلیم به کشورهای خارجی بفرستید، تا با کسب علم شاید بتوانند قابلیت خدمت به کشور عزیز شما را پیدا نموده و نام شما را در تاریخ جهان زنده نگهدارند.

ای ملت! به خاطر وطن و به خاطر خدا در کسب علم تلاش کنید، زیرا تنها از طریق علم است که می توان به

کامیابی های دینی و دنیوی دست یافت. « یک شخص بی علم نمی تواند خدا را بشناسد. »

قبلاً من از همین منبر بسیار مقدس استقلال افغانستان را اعلام نموده بودم و شکر خدا که امروز با نایل شدن به این هدف مثل یک قهرمان فرود می آیم. (تحسین و شادی حاضرین : زنده باد شاه دلیر و شجاع ما ، و پاینده باد استقلال کشور. آمین) [داکتر زمانی، اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، قسمت چهارم افغان جرمن آنلاین، لینک ذیل دیده شود:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahliha\\_PDF/zamani\\_abr\\_bayania\\_e\\_shah\\_amanullah.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahliha_PDF/zamani_abr_bayania_e_shah_amanullah.pdf)

بنابراین نباید به یاوه گویی های افرادی چون لعلزاد و همفکرانش اهمیت داد، حافظه تاریخ، مانند حافظه انسانهای متعصب و عقده ای کند و کور نیست که هرچیز را از روی منافع شخصی سبک و سنگین کند. روز ۲۸ اسد ۱۲۹۸ ش (۱۸ اگست ۱۹۱۹م)، نزد افغانها بسیار پر ارج و گرامی است، زیرا در این روز بود که اعلیحضرت شاه امان الله، پیمان صلح را ولپندی را (که حاکی از برسمیت شناختن استقلال کشور بود)، طی محفلی در قصر زرنگارکابل توشیح کرد و با توشیح آن فصل جدیدی در تاریخ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور رقم خورد. افغانها این روز را سخت گرامی میدارند، زیرا که این روز ثمره خونهای ریخته شده پدران و نیاکان شان است.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ